

کتاب ملاکی نبی

Malachi

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

معرفی

«رساله ملاکی مانند شعله رو به افولی است که پایان روزی طولانی را نوید می‌دهد، ولی در عین حال چون طلوع خورشیدی است که روزی پر جلال را به دنبال دارد.»

— ناگلسباچ (Nagelsbach)

1. جایگاه منحصر به فرد رساله ملاکی در کانون

وجه تمایز ملاکی (پیام آور من، و احتمالاً کوتاه شده Malā'k-îyyāh به معنی پیام‌آور یهوه) با سایر رسالات اینست که ملاکی آخرین نبی و پلی بین دو عهد می‌باشد که هم نظر به سوی یحیی تعمید دهنده دارد و هم به خداوند، عیسی مسیح.

تعجب آور اینکه برخی بر این عقیده‌اند که ملاکی یک نام مستعار و صرفاً لقبی برای عزرا و یا نویسنده دیگر است. بعضی از پدران کلیسا حتی فکر می‌کردند که نویسنده این رساله یک فرشته می‌باشد، چونکه در زبان یونانی (و عبری) کلمه ملاکی به معنی فرشته و یا پیام‌آور است!

رساله ملاکی دارای سبک گویشی ویژه‌ای است (پرسش و پاسخ) و این سبک خاص موجب شده است عده‌ای ملاکی را «سقراط عبرانی» می‌نامند.

2. نویسنده

هرچند که سنت یهودی می‌گوید ملاکی متعلق به «خیمه کبیر» و لاوی‌ای از «سوفای زبولون» بوده است، ما بطور قطعی چیزی از این نبی بجز رساله‌اش نمی‌دانیم. دلایل زیادی وجود دارد که می‌توان او را به عنوان نبی‌ای شجاع و نویسنده‌ای جدی تصور نمود که با حجّی و زکریای انبیاء بعد از تبعید یهودیان و برقراری ارتباط آنها با خدا نامیده شده‌اند.

3. تاریخ

باتوجه گویش به کار رفته در این رساله و استفاده از واژه‌های بکار رفته بعد از تبعید یهودیان، به روشنی می‌توان تاریخ نگارش آن را به بعد از سال 538 میلادی تصور نمود. همچنین بدیهی است که ملاکی رساله خود را بعد از دو نبی دوران پس از تبعید، حجّی و زکریا، نوشته است، زیرا که در رساله ملاکی صحبتی از معبد نشده است و مراسم و آداب مذهبی دوباره اجراء می‌شده است و در واقع زمانی کافی برای بازگشت یهودیان به امور روحانی سپری شده بوده است. همچنین دیوارهای اورشلیم باز سازی شده بوده است.

نبوت ملاکی را می‌توان احتمالاً مربوط به سالهای 470 الی 460 پیش از میلاد دانست.

4. پیشینه و زمینه

رساله ملاکی دارای مشکلاتی نظیر آنچه که در رسالهٔ نحμία آمده است می‌باشد - ازدواج و اختلاط با بت‌پرستان، عملیات تجاری غیر عادلانه، مضایقه از دادن ده یک (عشریه) به خانه خدا و بی‌علاقگی روحانی عمومی. خواه این مشکلات در رساله نحμία ذکر یا تکرار شده باشد، ادامه آنها خیلی دور از دوران ملاکی نیست. ملاکی به دلیل زندگی روحانی بی‌زرق و برق یهودیان بعد از تبعید کوشید آنها را با روش درخشان دیالوگ خودش با مردم بی‌ایمان، به حرکت و جنبش وادارد. اشاره شده است که ملاکی را بدین جهت «پیام‌آور خدا یا یهوه» نامیده‌اند که او در چهار فصل کوتاه رساله خود به سه فرستاده اشاره کرده است: کاهن خداوند (2:2)؛ یحیی تعمید دهنده (1:3) و خداوند ما عیسی مسیح (16:3).

ملاکی آخرین تقاضای یهوه را از مردمش در عهد عتیق ثبت کرده است. بعد از آن صدای نبوتی به مدت چهار قرن تا آمدن یحیی تعمیددهنده خاموش شد.

مورد مهمی نیست که پاره‌ای از منتقدان تاریخ نگارش رساله ملاکی و یا سایر رسالات نبوتی را به سال خاصی نسبت دهند، آنچه که مهم است اینست که این رسالات دقیقاً مدتها قبل از ظهور یحیی و عیسا مسیح خداوند، نوشته شده‌اند. بدین ترتیب آنها نبوت‌های واقعی هستند و نه «تاریخ مدون»، آنچنانکه پاره‌ای از منتقدین ادعا می‌کنند.

گزارش

1. اعلام محکومیت اسرائیل توسط خداوند، پاسخ آنان و اعلام داوری آنها (1:1 الی 15:3)

الف. ناسپاسی قوم (5-1:1)

ب. توهین به مقدسات توسط کاهنان (14-6:1)

ج. محکومیت کاهنان (9-1:2)

د. ازدواج با بت پرستان (16-10:2)

ه. انکار تقدس و عدالت خدا (17:2)

و. آمدن مسیحا برای داوری (6-1:3)

ز. پیشینه مردم (7:3)

ح. ندادن هدایا و ده یک به خدا (12-8:3)

ط. تهمت‌های ناروا به خدا (15: 13:3)

2. متبارک ساختن باقی ماندگان قوم و داوری شریران (3:16 الی 4:6)

الف. احیاء کسانی که وفادار مانده‌اند (3:16-18)

ب. داوری شریران (4:1)

ج. آمدن مسیحا برای باقی ماندگان (2:4 و 3)

د. اندرزهای آخرین به مطیعان، توأم با وعده آمدن الیاس نبی (4:4-6)

تفسیر

1. اعلام محکومیت اسرائیل توسط خداوند، پاسخ آنان، اعلام داوری آنها

(1:1 الی 3:15)

الف. ناسپاسی قوم (1:1-5)

در فصل اول ما متوجه اعلام جرم صریح خداوند بر علیه مردم و سرکشی شدید قوم می‌شویم. نخست اینکه خداوند اعلام می‌دارد که مردم را دوست داشته و دارد و مردم از خدا می‌خواهند دوستی خود را ثابت کند: «چگونه ما را دوست داشته‌ای؟». خداوند با یادآوری محبتش به یعقوب (که نیای آنان بود)، و نفرتش از عیسو و مجازات نسل عیسو یا ادومیان، ادعای خود را ثابت می‌کند: **چشمان مردم اسرائیل ویرانی ادوم را خواهد دید و عظمت خدا را اعلام خواهند نمود.**

ب. توهین به مقدسات توسط کاهنان (1:14-6)

6:1 سپس خدا با اعلام جرم **کاهنان** مبنی بر حقیر شمردن نام او و قصور در حرمت نهادن به او، ادامه می‌دهد. ولی آنها از خدا می‌خواهند نشانه‌ای بر این اتهامات به آنها نشان دهد.

7:1 و 8 خداوند آنها را متهم کرده است که هدایای **معیوب** می‌گذرانند. ولی آنها منکر می‌شوند. اما خداوند یادآوری می‌نماید که طوری قربانی می‌گذرانند که گویا همه چیز مورد قبول خداوند است، ولی اشتباه می‌کنند چونکه قربانی‌های آنها **کور و لنگ** است، هدایایی که حتی جرأت تقدیم آنها را به **حاکم** خود، ندارند.

9:1 نبی از مردم می‌خواهد از گناهان خود توبه کنند، باشد که خشم خدا نسبت به آنان فروکش کند.

10:1 یهوه صبايوت چنین می‌خواهد که کسی **درهای** معبد را ببندد، باشد که قربانی‌ها متوقف شود، چونکه قربانی‌های آنان مطلقاً قابل قبول خداوند، نبوده است.

11:1 خداوند از اسم خود در میان امت‌ها دفاع می‌کند، حتی گرچه مردم خودش، او را حرمت نمی‌نهند.

14:12-14 یهودیان امور مقدس در معبد را حقیر می‌شمردند چونکه هدایا و قربانیهای آنها نسبت به خداوند اهانت بود. سپس خداوند لعنت می‌کند کسانی را که حیوانات معیوب و تکه پاره شده را به حضور او قربانی می‌گذرانند. دلیلش اینست که پهوه صباپوت، پادشاه عظیم است و اسم او در میان امت‌ها مهیب خواهد بود.

ج. محکومیت کاهنان (9-1:2)

به کاهنان اخطار داده شده که اگر توبه نکنند و راه خود را عوض نکنند، با مجازات ترسناکی مواجه خواهند شد. خدا به کاهنان یادآوری کرده است که کاهنان اولیه نسبت به عهدی که خدا با لاوی بست وفادار بودند، ولی اینک کاهنان به شدت فاسد شده‌اند، و بنابراین خدا، آنها را نزد تمامی قوم پست و خوار، خواهد ساخت.

د. ازدواج با بت‌پرستان (16-10:2)

12-10:2 در این آیات به مسئله ازدواج با کافران و بت پرستان پرداخته شده است. مردم یهودا از طریق ازدواج با بیگانگان خیانت ورزیده بودند، بدین ترتیب اتحاد قوم خود را ویران کرده بودند. کسانی که چنین ازدواج‌هایی کرده بودند منقطع خواهند شد.

16-13:2 مردم مذبح را اشک باران کرده بودند، چونکه خداوند دیگر هدایای آنها را نپذیرفته بود. چرا؟ چونکه خداوند شاهد ازدواج قدیم آنها بوده است، و اینک خیانت ورزیده‌اند. قصد خدا این بود که آنها را قومی خالص و ناب بسازد تا فرزندان خدائی داشته باشند و از فساد و تباهی بت پرستان جدا شوند. خدا از طلاق نفرت دارد، چونکه نتیجه آن ظلم است. حلقه بین طلاق و ظلم توسط بالدوین (Baldwin) به شرح زیر تشریح شده است:

خداوند طلاق را به صورت کسی می‌بیند که لباس ظلم بپوشد و این یک بیان تمثیلی برای هر نوع دیگر بی‌انصافی است، چونکه مانند قطرات خون شهید اثرات آن باقی می‌ماند تا همه ببینند.

ه. انکار تقدس و عدالت خدا (17:2)

قوم، خدا را با گفتن اینکه توجهی به رفتار کسانی که شرارت مرتکب می‌شوند، ندارد، خسته کرده بودند. آنها حتی داوری خدا را زیر سوال برده بودند: «خدائی که داوری کند کجاست؟»

و. آمدن مسیحا برای داوری (6-1:3)

1:3 سپس خدا به اتهامات آیه قبل پاسخ می‌دهد. او رسول خود را خواهد فرستاد، وعده‌ای که از قدیم داده بود و بخشی از آن در یحیی تعمیددهنده تحقق یافت، ولی کوتاه زمانی بعد وعده خدا بطور کامل با

آمدن ایلیا تحقق خواهد یافت (5:4) که طریق خداوند مهیا خواهد ساخت - رسول عهدی که مردم طالب اویند. طنز مسئله در اینجاست که وقتی عیسی بعداً آمد (ظهور اولش) ، قوم اسرائیل طالب او نبودند و در عوض او را مصلوب کردند.

3:2-4 روز آمدن او، اشاره‌ای به رجعت دوم مسیح است. خداوند ما برای داوری گناه خواهد آمد و کیست که بتواند تحمل کند؟ این رسالت ناب با تطهیر معبد توسط مسیح، به تصویر کشیده شد و اینک باید منتظر بماند برای تحقق نهائی بازگشت دوباره او. آنگاه نبی لاوی (کاهنان) تطهیر خواهند شد، سپس خواهند توانست مانند قدیم قربانی را با عدالت بگذرانند، و قربانی‌های آنان مانند ایام قدیم، پسندیده خداوند خواهد شد.

3:5 خداوند همچنین به مجازات جادوگران، زناکاران، سوگند دروغ خوردگان، ظلم کنندگان به مزدوران، بیوه‌ها، یتیمان و غریبان، خواهد پرداخت.

3:6 تبدیل ناپذیری خداوند حقیقی است که پسران یعقوب را از هلاک شدن، باز خواهد داشت.

ز. پیشینه مردم (7:3)

خداوند مردم را به بازگشت به سوی خودش دعوت می‌کند ولی آنها منافقانه در پاسخ به خداوند خواهند گفت: «به چه چیز بازگشت نمائیم؟»

ح. ندادن هدایا و ده یک به خدا (8:3-12)

بنی اسرائیل طبق شریعت موسی می‌بایست ده یک محصولات و احشام خود را به خداوند بدهند. ده یک یا عشریه همراه بود با هدایای گوناگون و نشانه این بود که همه چیز متعلق به خداست و خداست که دهنده تمام دارائی‌های آنهاست.

استادان عهد جدید به ایمانداران تعلیم می‌دهند که ده یک خود را بطور مرتب، آزادانه و شادمانه و متناسب با درآمد خود، به خداوند تقدیم نمایند. ولی در عهد جدید سخنی از ده یک به میان نیامده است، بلکه حدس بر این است که اگر یهودیان که در زیر شریعت بودند ده یک می‌دادند، چقدر بیشتر مسیحیان که زیر فیض هستند، می‌باید دادن ده یک را مراعات نمایند. پاداش امور صادقانه در عهد عتیق، ثروت مادی بود، اما پاداش مشارکت صادقانه در عصر کنونی، ثروت روحانی است.

بنابراین خدا به یهودیان قصور آنها را در ندادن عشرها و هدایا یادآوری می‌نماید که بدین ترتیب خدا را گول زده و ملعون شده‌اند. اگر آنها در دادن ده یک خود امین باشند، خدا آنها را به فراوانی برکت خواهد داد، آنچنان برکتی که گنجایش آن نخواهد بود. خدا آنها را از بلاها و دشمنان و ملخ‌ها خواهد رهانید و آنها را در روی زمین متبارک خواهد نمود.

ط. تهمت‌های ناروا به خدا (15-13:3)

خداوند می‌فرماید که مردم بر ضد او سخنان سخت گفته‌اند. آنها گفته‌اند عبادت نمودن خدا و اطاعت از او بیهوده است. آنها فکر می‌کردند که متکبران سعادت‌مند و بدکاران پیروز می‌باشند. کسانی که خدا را امتحان می‌کنند، نه تنها کامیاب نمی‌شوند، بلکه سلامت خود را هم از دست می‌دهند.

2. متبارک ساختن باقی ماندگان قوم و داوری شریران (16:3 الی 6:4)

الف. احیاء کسانی که وفادار بوده‌اند (18-16:3)

اما بخشی از قوم باقیمانده بودند که با یهوه صادق بودند. این گروه می‌باید جدا شده و متبارک گردند و ملک طاهر خدا باشند.

ب. داوری شریران (1:4)

روزی خواهد آمد مثل تنور مشتعل، آنگاه تمام متکبران و شریران نابود خواهند شد به طور یکه نه شاخه و نه ریشه‌ای از آنان باقی نمی‌ماند.

ج. آمدن مسیحا برای باقی ماندگان (2:4 و 3)

باقی ماندگان و وفاداران آفتاب عدالت را که بر بالهای وی شفا خواهد بود، خوش آمد خواهند گفت. کسانی که از اسم خدا می‌ترسند بر دشمنان خود غالب خواهند شد، چونکه دشمنانشان چون خاکستر در زیر پایهای آنان خواهند شد.

د. اندرهای آخرین به مطیعان، توأم با وعده آمدن الیاس نبی (6-4:4)

رساله ملاکی نبی با اندرز به مردم برای به یاد داشتن تورات موسی و با یک وعده مبنی بر آمدن ایلیای نبی قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند، پایان می‌یابد. ایلیا زندگی مردم را دگرگون خواهد نمود و آنها چون پدران خود امین و وفادار خواهند شد. در غیر اینصورت خدا به زمین خواهد آمد تا زمین را لعنت کند. یهودیان هنگام خواندن رساله ملاکی آیه پنجم را بعد از آیه ششم تکرار می‌کند، که مبادا کتاب با نفرین و لعنت پایان یابد. به هر حال آنطوری که ولف می‌گوید: «این نیت برای تلطیف پیام، واقعیت را عوض نمی‌کند.»

مادام که ما عهد عتیق را در فروغ کامل عهد جدید بخوانیم، چه راهی بهتر از اینکه مندرجات عهد عتیق را با این نقل قول از آخرین بخش از تفسیر عهد عتیق توسط Keil و Delitzsch به پایان بریم:

شریعت و انبیاء به مسیح شهادت می‌دهند، و مسیح نیامد تا شریعت و انبیاء را منسوخ نماید، بلکه آمد تا شریعت و انبیاء را تکمیل کند. در روی کوه تجلی هم موسی به عنوان بانی شریعت و واسطه عهدها و هم ایلیا نبی به عنوان احیاءگر شریعت در بنی اسرانیل با عیسی راجع به کشته شدن او صحبت کردند که در اورشلیم صورت خواهد گرفت... چونکه شهادت عملی

رسولان حاکی از اینست که عیسی مسیح که پسر محبوب خدا بود جان خود را برای ما فدا کرد، گناهان ما را بر خود پذیرفت و ما را از لعنت شریعت رهانید و ما نیز با اطاعت و ایمان به نام او فرزندان خدا و وارث حیات جاودانی می‌شویم.